



مؤسسه انتشارات نگاه

خیام و پساخیامیان

فیض شریفی

خیام و پساخیامیان

شریفی، فیض، ۱۳۳۴

خیام و پساخیامیان / فیض شریفی

تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۵

۱۵۰ ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ س.م.

ISBN: 978-600-376-202-2

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. شعر فارسی. قرن ۱۴ - تاریخ و نقد

Persian poetry-20th century – History and criticism

۱۳۹۵ ۹ خ ۴ ش / ۴۶۳۵ PIR

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۶۱۴۰۳

خیام و پساخیامیان

فیض شریفی



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

فیض شریفی

خیام و پساخیامیان

ویرایش: دفتر انتشارات نگاه
صفحه‌آرایی: احمد علی پور
طراحی جلد: فرشید خالقی

چاپ اول: اسفند ۱۳۹۶ - چاپ دوم: بهار ۱۳۹۷
شمارگان: ۵۰۰ نسخه - چاپ: ترنج
شابک: ۲ - ۲۰۲ - ۳۷۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

حق چاپ محفوظ است.



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،
بین خیابان فخر رازی و خیابان دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵
تلفن: ۱۲ - ۶۶۹۷۵۷۱۱، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

negahpublisher@yahoo.com

 www.negahpub.com  [negahpub](https://www.instagram.com/negahpub)  [newsnegahpub](https://www.facebook.com/negahpub)

مديونم به استادان ش.ک

و.م.ب

فهرست مطالب

۹	 واژه نهان
۱۲	 سیری کوتاه در تاریخچه ی ربایی
۲۵	 خیام و حافظ
۲۶	 الف: تصاویر:
۲۷	 * دیدگاه اندیشگانی و مضمون و بیان مشترک:
۲۷	 ۱- اعتراض به تقبیح شراب
۲۸	 ۲- حسرت از ناپایداری عمر:
۳۱	 ۳- اغتنام وقت، خوش بودن، برباد شدن:
۳۳	 ۴- ندانم گرایی:
۳۸	 ۵- طرح نو و ناخشنودی افراد فاضل و آزاده از روزگار:
۳۹	 ۶- پوچ گرایی:
۴۰	 ۷- ریاستیزی:
۴۳	 خیام و نیما
۴۷	 ۱- اغتنام وقت، خوش بودن، برباد شدن:
۴۸	 ۲- حسرت از ناپایداری عمر:

- ۳- اعتراض به تقبیح شراب و مستی: ۴۹
- ۴- ندانم‌گرایی: ۵۱
- ۵- گریز ناپذیری مرگ: ۵۲
- ۶- تناسخ: ۵۶
۷. رنج هستی: ۶۰
۸. بی خبری از آینده، نفی حیات پس از مرگ، خوش زیستن، ۷۵
۹. پوچی: ۸۲
۱۰. سرزنش زهد ریایی، نفرت از ریاکاری: ۸۴
۱۱. نکوهش ظلم، عدالت‌طلبی، قناعت ۸۵
- ایرج زبردست / شاعری که فقط ربایی می‌گوید: ۹۱

- خیام وزبردست ۹۴

- خیام و ایرج صف شکن ۱۰۷
- نشانه‌های واژگانی در اشعار خیام و صف شکن: ۱۱۶
- شگردها و شاخصه‌های واژگانی و تکیه کلامی خیامیان: ۱۱۸
- بخش دوم: نوسروده‌ها [ربایی‌های ایرج صف شکن] ۱۲۱
- فرایند: ۱۲۹
- شط‌حیات (لبر یخته‌ها): ۱۳۰

- پی‌نوشت‌ها ۱۳۵
- فهرست بعضی از منابع و مؤاخذ ۱۳۷
- نمایه شاعران و نویسندگان و ۱۴۳

واژه نهان

از نظر تاریخی، درون مایه‌ی شعر خیام، به پیش از اومی رسد. «اصطلاح غنیمت دم»^۱ نخستین بار در غزلی از هوراس، شاعر نامدار رومی، آمده و هم او به پرداخت ژرف‌ترین بن مایه‌ی ادبی، همت گمارده است. این مضمون، در ادبیات یونان باستان و در آثار ادبی سایر ملل نیز به کرات رخ نموده و بر کوتاهی عمر و ناگزیری مرگ، تأکید داشته است. چه بسا این درون مایه‌ی مکرر را بتوان پژواک اندیشه‌های فلسفی اپیکور دانست.

در شعرارو پایی، قالبی چهار مصراعی وجود دارد که یک گونه‌ی آن مصرع‌های اول و دوم و چهارم قافیه دار است و به قالب «عمر خیامی» شهره است.^۲

اما ترجمه‌ی آزاد «ادوارد فیتز جرالده» از ربایی‌های خیام، به سال ۱۸۵۹ م و بی ذکر نام مترجم به چاپ رسید. روایت فیتز جرالده، نه پایبندی او به اصل ربایی‌ها؛ بلکه عصاره‌ی روح جاری در آنهاست. صور خیال جان‌دار، غریب و دور این سروده‌ها موجب کشش علایق

1- carpediem

2- Cuddon, J. A, *A Dictionary of Literary Terms*, Penguin books. London, 1984

عصرویکتوریایی به سوی مشرق زمین می‌گشت و بن مایه‌ی اپیکوری آنها را به جنبش ادبی زیباگرایی، پیوند می‌داد.

حزن رمانتیک این ترانه‌ها، طلایه‌دار شعر بدبینانه‌ی شاعران پرآوازه‌ی انگلیسی همچون «ماتیو آرنولد»، «جیمز تامسون» و «توماس هاردی» گردید.^۱

«ربایی» از جمله قالب‌هایی است که تا به امروز، اصالت خود را از دست نداده، و به دلیل دارا بودن خصوصیات ساختاری و ویژگی ایجاز، که از مهم‌ترین قابلیت‌های این قالب به شمار می‌رود، هم‌چنان قابل توجه است. ایجاز از ویژگی‌هایی است، که ادبیات معاصر، در پی دستیابی به تکنیک‌های نوین در آن، ابتکار و خلاقیت فراوانی را به کار گرفته است.^۲

از سوی دیگر درون مایه‌ی اندیشه‌ی خیام و قالب ربایی، دو عنصر تفکیک‌ناپذیرند. تعامل این دو فرم و محتوا در طول تاریخ ادبیات، گویای این مطلب است که ربایی در این مضامین، بهتر پرورده شده؛ چنان که این نوع اندیشه نیز در این قالب بیش از هر قالب دیگری، شکوفا و ناب، جلوه کرده است.

1- Ous, *Literature in English*, Cambrige University Press, 1996.

۲- واژه نهان: ربایی به معنی روا بودن، آواز سوزناک و ربایندگی یا به معنی عنوانی است که بر پیشانی کتاب نهاده‌ایم. رباعی واژه‌ای عربی است که خود پژوهشگران عرب آن را ترانه یا دو بیت فارسی نامیده‌اند. واژه بیت هم همان «ویته» واژه‌ی اوستایی است به معنای دو تکه و «بی‌تیه» [Bitya] به معنی دومین است معنی «بی» اوستایی هم به معنی «دو» است و بیت هم اوستایی است به معنی دولختی. در عربی معنی «خانه» که سنخیتی با مضمون و شکل ساختاری ربایی ندارد. برای نمونه، شاید کشف مشابهت ربایی با پدیده‌ی مینی مالیزم در ادبیات، زمینه‌ی مطالعات سودمندی قرار گیرد.

محور اصلی این کتاب اندیشه‌ی خیام و شاعران پسا خیامی است، به ویژه در سه شاعری که در عصر حاضر به صورت برجسته و خاص به این قالب عنایتی داشته اند:

نیما یوشیج به این دلیل که تقریباً در همه‌ی مضامین خیامی ربایی‌هایی سروده و ایرج زبردست و ایرج صف شکن از این جهت که می‌توان گفت پس از خیام شاعرانی بوده اند که این قالب را (ربایی) به تحول و دگرگونی نزدیک کرده اند.

اما در این مسیر اندیشگانی و خطی - زمانی به صادق هدایت و نصرت رحمانی می‌رسیم که خارج از حیطه‌ی ربایی اند اما ملهم از خیام اند و اشاره‌ی ضمنی به آن‌ها - به دلیل تاثیر هدایت در سطح وسیع ادبیات معاصر و این که رمان بوف کور او مانیفست ادبیات مدرن ایرانی ست و دوم نقش نصرت رحمانی در شعر معاصر ایران است که جهان خیامی را در خود می‌گوارد - ضروری به نظر می‌رسد.

در این کتاب، آن چه مورد نظر بوده، نه تکنیک شعر شاعران که به کارگیری و کاربرد درون مایه‌ها و کرشمه سازی‌های فکری خیام است؛ بنابراین روشن است که اشعار و مطالب به گزین شده ارزش ادبی یکسانی ندارند، اما به دلیل مقایسه‌ای که خود به خود با کنار هم قرار گرفتن ابیات مختلف اتفاق می‌افتد، شناخت بیشتر از شاعران مورد نظر، در زمینه‌ی ربایی، حاصل می‌شود.

مجموعه‌های بسیاری در این قالب به چاپ رسیده که از لحاظ شکل به ربایی نزدیک اند اما فشردگی و روح کافی و پرشور ربایی را ندارند.

سیری کوتاه در تاریخچه‌ی ربایی

اولین شاعری که به ربایی توجه داشت، رودکی، پدر شعر کهن است. در دیوان بازمانده از او حدود ۳۹ ربایی وجود دارد. احتمالاً تعداد زیادی از ربایی‌های او از بین رفته است. ربایی‌های او غالباً توصیفی و عاشقانه و مفرح‌اند:

ای از گل سرخ، رنگ بر بوده و بو
رنگ از پی رخ ربوده، بواز پی مو
گلرنگ شود چوروی شوید، همه جو
مشکین گردد چوموفشانی، همه کو

دومین شاعری که به ربایی اقبال داشته، فرخی سیستانی است که ۳۶ ربایی دارد. نمونه‌ای از او:

یا ما سرِ خصم را بکویم به سنگ
یا او سرِ ما به دار سازد آونگ
القَصّه در این زمانه‌ی پرنیرنگ
یک کشته به نام، به که صد زنده به ننگ

اشعار فرخی سیستانی بسیار ساده است و معمولاً از آرایه‌های ادبی

تهی. سۆمین شاعر، عنصری است که در دیوان او ۷۷ ربایی وجود دارد:

در عشق تو کس، پای ندارد جز من
در شوره، کسی تخم نکارد جز من
با دشمن و با دوست، بدت می گویم
تا هیچ کسست دوست ندارد جز من

عسجدی، منوچهری و ارزقی هروی نیز، در قرن پنجم ه. ق. ربایی هایی دارند که همه در مضمون های ساده ی عاشقانه پرداخته شده اند و قوی تر از اشعار فرخی و عنصری نیستند. در همین قرن، ربایی هایی به ابوسعید ابی الخیر نسبت داده اند اما در تحقیقاتی که از سوی ریپکا و دکتر شفیع کدکنی صورت گرفته، اصولاً او شعری نسروده است. ربایی هایی که از او نقل می شود، بیشتر از بابا افضل، خیام و یا مولانا است و یا این که شاعری مجهول آنها را سروده است. دو نمونه:

بازا بازآ هرآن که هستی بازآ
گر کافرو گبر و بت پرستی بازآ
این درگه ما درگه نومیدی نیست
صد بار اگر توبه شکستی بازآ



از واقعه‌ای تو را خبر خواهم کرد
و آن را به دو حرف مختصر خواهم کرد
با عشق تو در خاک، نهان خواهم شد
با مهر تو سرز خاک، برخوایم کرد

همچنین ربایی‌هایی از محمد غزالی و احمد غزالی و ابن سینا و
عین القضات، در تاریخ ادبیات آمده است که به سختی می‌توان آنها را
از هم تفکیک و ثابت کرد که از کدام یک از آنهاست.
نمونه‌ای از احمد غزالی:

در عالم خاک، خاک پاشیدم و رفت
صد دشمن و دوست، بر تراشیدم و رفت
با چون و چرای فلکم کاری نیست
چندان که به دانشم بشاشیدم و رفت

نمونه‌ای از ابن سینا:

ای کاش بدانمی که من کیستمی
سرگشته به عالم از پی چیستی

گرمُقبلَم، آسوده و خوش زیستَمی
ورنه به هزار دیده بگریستَمی

در قرن ششم ه. ق نخستین شاعری که در ربایی های حبسیّه سرود،
مسعود سعد سلمان است:

هریک چندی به قلعه ای آرندم
اندر سمجی^۱ کنند و بسپارندم
شیرم که به دشت و بیشه نگذارندم
پیلَم که به زنجیرگران، دارندم

امیرمعزی، در همین قرن، ربایی های مدحی و عاشقانه دارد:

گر نور مه و روشنی شمع تراست
این کاهش و سوزش من از بهر چراست
گر شمع تویی مرا چرا باید سوخت
گر ماه تویی مرا چرا باید کاست

همچنین سنایی غزنوی، شاعر عارف قرن ششم ه. ق ربایی هایی
دارد که یک نمونه را ذکر می کنیم:

۱- سمجی: زندان

اندر دریا نهنگ باید بودن
واندر صحرا پلنگ باید بودن
مردانه بدون رنگ باید بودن
ورنه به هزار ننگ، باید بودن

در میان شاعران قرن ششم ه. ق. مهستی گنجهای، زنی عاشق پیشه بود که
بربط می نواخت و ربایی می سرود. مهستی گنجهای ۱۶۹ ربایی دارد:

آن کودک قصاب دکان می آراست
استاده بُدند مردمان از چپ و راست
دستی به کفل می زد و خوش خوش می گفت:
احسنت زهی دنبه ی فربه که مراست

نمونه ای دیگر:

ما را به دم پیرنگه نتوان داشت
در حجره ی دلگیر، نگه نتوان داشت
آن را که سر زلف چو زنجیر بود
در خانه به زنجیر، نگه نتوان داشت

از دیگر شاعران قرن ششم ه. ق اثیرالدین اخسیکتی است که ربایی‌های زیبایی از او باقی مانده است:

گل، صبحدم از شاخ برآشفتم و بریخت
با باد صبا حکایتی گفتم و بریخت
بدعهدی عمر بین که یک هفته ز شاخ
گل سرزد و غنچه کرد و بشکفت و بریخت

خاقانی، ربایی‌هایی با مضامین خیامی دارد که از آرایه تھی است. خاقانی در آوردن آرایه‌های ادبی بسیار قدرتمند است، اما کاربرد آنها در ربایی‌های او چندان پیچیده نیست:

هیچ است وجود و زندگانی همه هیچ
وین خانه و فرش باستانی همه هیچ
از نسیه و نقد زندگانی همه را
سرمایه جوانی است، جوانی همه هیچ

عطار نیشابوری، شاعر قرن ششم و هفتم ه. ق در مختارنامه دو هزار ربایی دارد. پس از نیما، عطار نیشابوری، در شعرهای فلسفی، از همه بیشتر به خیام نزدیک می‌شود:

خونِ دلِ من که هر دم افزون گردد
دریا دریا زدیده بیرون گردد
آن گه که ز خاک تنِ من کوزه کنند
گر آب در آن کوزه کنی خون گردد

و یک ربایی ضدّ خیامی:

هر گاه که در پرده‌ی راز آیم من
در گرد دو کون پرده ساز آیم من
گویند کز آن جهان کسی نامد باز
هر روز به چند بار باز آیم من

کمال‌الدین اسماعیل، که به دنبال واقعه‌ی قتل عام اصفهان در سال ۶۲۵ ه. ق. کشته شد، ربایی‌های رئالیستی دارد. گویند این ربایی را با خون خود نوشته است:

کو دیده که تا بروطنِ خود گرید
بر حالِ من و واقعه‌یِ بد گرید
دی بر سر مُرده‌ای دو صد گریان بود
امروز یکی نیست که بر صد گرید

برخی از ربایی‌های او به مضامین خیام نزدیک است:

در باغ شدم سحرگه از درد نهفت
بلبل به زبانِ حال با من می‌گفت:
از غنچه برون آی و به خنده خوش باش
ای بس گلِ رعنا که در این باغ شکفت

در کلیات شمس مولانا حدود ۱۹۸۳ ربایی وجود دارد که اغلب به زبان عربی است. بیشینه‌ی ربایی‌های مولانا عاشقانه و عارفانه است؛ او در وصف شمس تبریزی می‌گوید:

زاهد بودم، ترانه گویم کردی
سرفتنه‌ی بزم و باده جویم کردی
سجاده نشینِ باوقاری بودم
بازیچه‌ی کودکان کویم کردی

بعضی از ربایی‌های مولانا فلسفی است:

کشتی که به دریای روان می‌گذرد
می‌پندارد که نیستان می‌گذرد

ما می‌گذریم زین جهانِ گذران
می‌پنداریم کاین جهان می‌گذرد

با وجود این مولانا در غزلی به خیام درباره‌ی ربایی زیر اعتراض دارد؛
خیام:

می‌خور که بسی زیر گِلَت باید خفت
بی‌مونس و بی‌حریف و بی‌باده و جُفت
زنهار به کس نگو تو این رازِ نهفت
کان دانه که پُرمرد نخواهد بشکفت

جواب مولانا:

کدام دانه فرو رفت در زمین که نرُست
چرا به دانه‌ی انسانَت این گمانت باشد
ترا چنان بنماید که من به خاک شدم
به زیر پای من این هفتِ آسمان باشد

سعدی نیز ۱۴۷ ربایی دارد که گاهی تحت تأثیر خیام است.
ربایی‌های او بسیار ساده و بی‌آرایه است:

گویند هوای فصل آزار خوش است
بوی گل و بانگِ مرغِ گلزار خوش است